

رسم آرامش

می خواهم آرامش را رسم کنم

نه با کفشی که ریگ در آن است

نه بر صندلی که پایه آن شکسته

نه بر زمینی که آب روی آن گرفته

نه با درختی که سایه اش رفته

نه با لباسی که به عاریه پوشیده شده

نه با عروسی که به انتظار داماد نشسته

نه با اطاقی که نور شمع اش رفته

نه در خانه ایی که دیوارهایش فروریخته

آرامش را رسم می کنم

با قلمی که جوهرش امید است

ظرفش، حرکت

آثارش، تحول

انتهایش، آرامش

آرامش را رسم می کنم با آرامش.